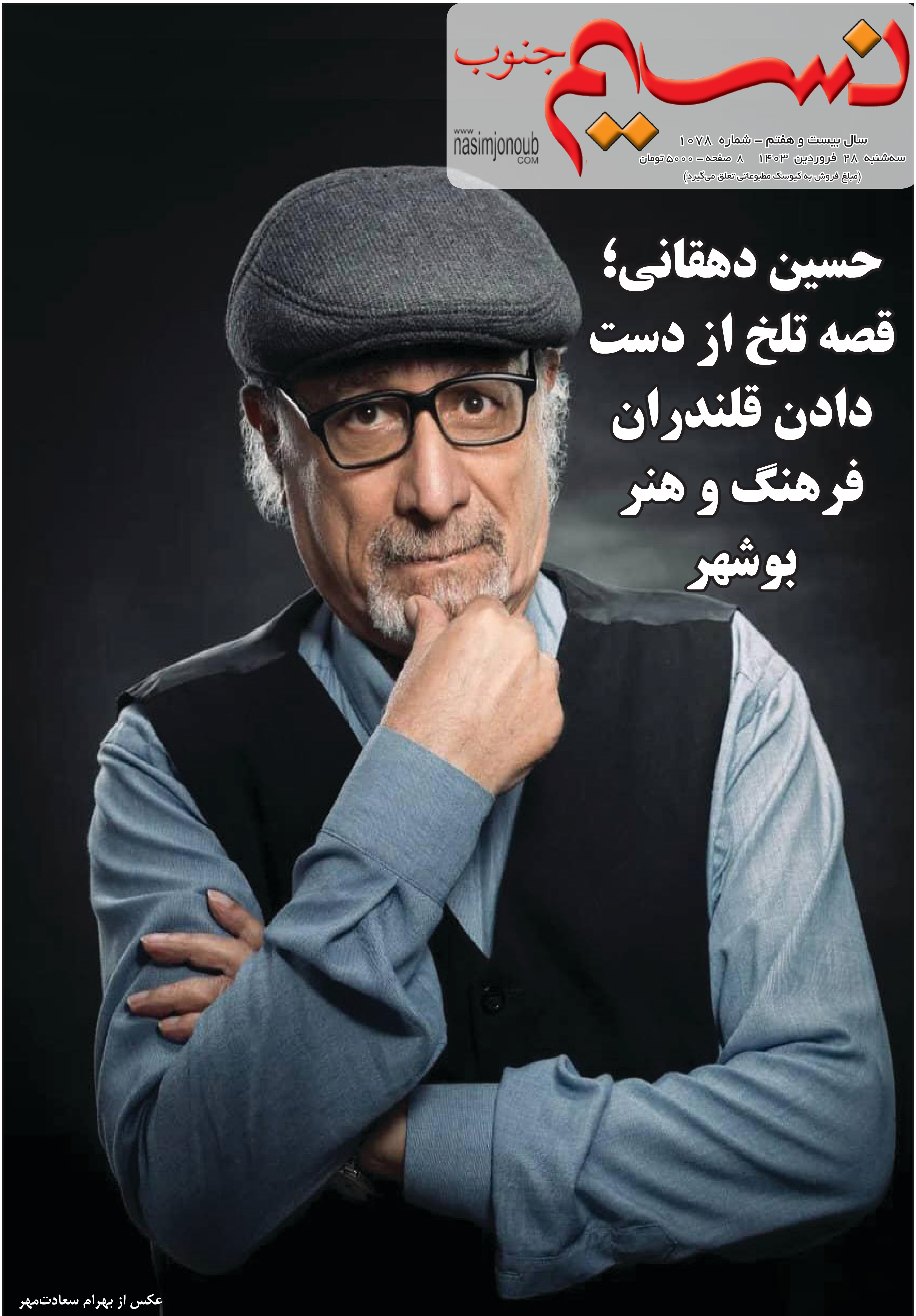
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۷۸

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



حسین دهقانی؛ قصه تلخ از دست دادن قلندران فرهنگ و هنر بوشهر

عکس از بهرام سعادت‌مهر

پیام نماینده مقام معظم رهبری در بوشهر در حمایت از حمله موشکی

ایسنا/بوشهر: آیت‌الله صفایی بوشهری نماینده مقام معظم رهبری در استان و امام جمعه بوشهر در حمایت از حمله موشکی و پهپادی علیه رژیم صهیونیستی پیامی صادر نمود.

در این پیام آمده است: عملیات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران بر ضد متجاوزان و جنایتکاران صهیونیستی نشان از قدرت و توان دفاعی و حفظ منافع ملی و بین‌المللی ایران دارد.

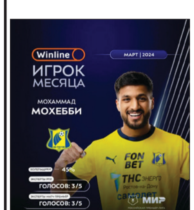
این عملیات پاسخی محکم به حمله تروریستی و ددمنشانه رژیم نامشروع صهیونیستی به سفارتخانه ایران در سوریه است که منجر به شهادت جمعی از مستشاران عزیز ایران در آن کشور شد و متاسفانه شورای امنیت سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی مسئول، با سکوت خود ازآن اقدام که آشکارا نقض قوانین دیپلماتیک است همراهی کردند، بنابراین تنها راه تنبیه و انتقام، عملیات موشکی و پهپادی موفق و کارآمد شد.

این عملیات هشداری است آشکارا و روشن به آن رژیم جنایتکار که سال‌هاست جنایت و خیانت می‌کند و جهان استکبار نیز از آن حمایت می‌نماید که اگر بخواهد به جنایات ضد بشری خود بر ضد ایران ادامه دهد برخورد بسیار سنگین‌تری در انتظار او خواهد بود.

این عملیات موجب امید و شادمانی مظلومان دنیا به ویژه مردم مسلمان محور مقاومت و فلسطین شد و مردم شجاع ایران با شادمانی و حمایت از این عملیات نشان دادند همچنان مقتدر و وفادار به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و موانع حقوق خویش و مظلومان هستند.

فوتبالیست بوشهری؛ بهترین بازیکن ماه مارس لیگ روسیه شد

حمید محبی، مهاجم بوشهری به عنوان بهترین بازیکن ماه مارس لیگ فوتبال روسیه انتخاب شد. محمد محبی، مهاجم بوشهری تیم روستوف با کسب ۴۵ درصد آرای هواداران به این عنوان دست یافت.



محبی در ماه مارس سه بازی در لیگ روسیه انجام داد و آمار چهار گل و یک پاس گل را به ثبت رساند.

انتصاب رسانه‌ای در ایرانجوان



طی حکمی از سوی سعید مفتخر مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی ایران‌جوان بوشهر و با پیشنهاد رئیس کمیته روابط عمومی، امیرحسین صالحی‌زاده به عنوان عضو کمیته روابط عمومی و امور رسانه منصوب شد.

شایان ذکر است امیرحسین صالحی‌زاده سابقه رسانه تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهر، مدیر روابط عمومی باشگاه ایرانیان بوشهر، عضو روابط عمومی هیئت فوتبال شهرستان و استان بوشهر و مدیر رسانه‌ای مجموعه رسانه ورزش بوشهر در کارنامه خود دارد.

تامین ۳۰ هزار میلیارد ریال برای ساخت مدرسه در استان بوشهر

مدیرکل نوسازی ، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر گفت: تفاهم نامه ۳۰ هزار میلیارد ریالی برای ساخت مدرسه در این استان مبادله شد.

پس‌لرزه انتشار کلیپ جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان بوشهری دانشکده الزهرا

دانشجویان بوشهری جرمی مرتکب نشده‌اند که قابل پیگرد قضایی باشند



کلیپ جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشکده الزهرا بوشهر به شکل گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر و با استقبال مواجه شد. پس از انتشار این ویدیو، رئیس دانشکده الزهرای بوشهر از پیگیری قضایی موضوع انتشار کلیپ جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان این دانشگاه خبر داد.

به گزارش ایسنا، «زهرا حاجیانی» رئیس دانشکده الزهرای بوشهر گفت: «از دی‌ماه سال ۹۸ تاکنون، هیچ جشن فارغ‌التحصیلی در دانشکده الزهرا برگزار نشده است.»

زهرا حاجیانی، رئیس دانشکده‌الزهرای بوشهر افزود: «بعد از کرونا و نیز به علت کمبود منابع مالی، هیچ جشن فارغ‌التحصیلی در دانشکده الزهرا برگزار نشده و کلیپ پخش‌شده در فضای مجازی، توسط چند دانشجوی فارغ‌التحصیل این دانشگاه، بدون هماهنگی و اخذ مجوز از دانشگاه به صورت خودجوش برگزار شده است؛ دانشگاه در جریان برگزاری آن هیچ نقشی نداشته است.»

او گفت: «هشت نفر از دانشجویان فارغ‌التحصیل این دانشگاه، با تهیه فرم لباس فارغ‌التحصیلی، در بافت قدیم بوشهر اقدام به این کار کردند و با میکس آن جشن با سردرب دانشگاه، این موضوع را به وجود آورده‌اند.»

حاجیانی ادامه داد: «این موضوع توسط حراست دانشگاه در دست بررسی است؛ دانشجویی که این فیلم را تهیه کرده، شناسایی شده و فردا قرار است به همراه پدرش جوابگوی این کارش باشد.»

به گفته رئیس دانشکده الزهرای بوشهر، این دانشگاه پیگیری قضایی این فعالیت غیرقانونی را تا حصول نتیجه ادامه خواهد داد.

در این کلیپ، یکی از دانشجویان می‌گوید که این شادی مربوط به جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان ورودی سال ۹۷، در رشته معماری دانشکده الزهرا است.

در این فیلم، تعدادی از دانشجویان که مقنعه و لباس مراسم فارغ‌التحصیلی پوشیده‌اند، با ترانه‌ای از «عرفان طهماسبی» به شادی می‌پردازند.

انتشار خبری مبنی بر برکناری رئیس دانشکده الزهرا به دلیل این کلیپ در یکی از رسانه‌ها، سوال‌برانگیز بود، با این حال پیگیری‌ها، حکایت از آن دارد که برکناری رئیس دانشکده صحت ندارد.

توضیحات رئیس دانشگاه در حالی است که به وضوح، مشخص است تعداد این دانشجویان، بیش از تعداد مورد اشاره است و بخشی از کلیپ نیز در دانشگاه ضبط شده است.

دانشجویان الزهرا جرمی مرتکب نشده اند که بخواهد پرونده قضایی تشکیل شود

دکتر علی حسن ابراهیمی (مدرس دانشگاه و دارنده دکترای حقوق جزا و جرم شناسی) در خصوص فیلم فارغ التحصیلی دانشجویان الزهرای بوشهر در صفحه شخصی خود نوشت:

«با توجه به اصل بنیادی قانونی بودن جرم و مجازات و عدم مصداق فعل یا ترک فعل مجرمانه و همچنین اصل برائت و تفسیر مضیق دانشجویان دانشگاه الزهرا بوشهر مرتکب هیچ جرمی نشده‌اند پس رسیدگی قضایی قطعا منتفی است».

سیروس شهریاری، وکیل دادگستری در توییتی ضمن تأکید بر این نکته که دختران دانشکده الزهرای بوشهر هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند که قابل پیگرد قضایی باشند، ابراز امیدواری کرد: به احساسات اجتماعی احترام گذاشته شود و اصلا پای این بچه‌ها به مراجع رسمی باز نشود.

همچنین مسلم روئین، وکیل دادگستری اعلام کرد: درصورت این‌که پرونده این دانشجویان قضایی شود، آمادگی دارد به صورت رایگان وکالت‌شان را برعهده بگیرد.

عضو خبرگان: اراده جدی برای آبرسانی و ساماندهی فاضلاب جزیره خارگ دیده نمی‌شود

نماینده بوشهر در مجلس خبرگان رهبری گفت: اراده جدی برای ساماندهی وضعیت آبرسانی، توزیع آب شرب و جمع آوری فاضلاب در جزیره خارگ دیده نمی‌شود و امید می‌رود وزارتخانه های نفت و نیرو در این زمینه پای کار بیایند.

به گزارش ایرنا، آیت الله سید هاشم حسینی‌بوشهری در دیدار مدیرعامل شرکت پایانه های نفتی ایران در بوشهر اظهار کرد: جزیره خارگ یکی از کانون‌های مهم اقتصادی کشور و قلب تپنده صادرات نفت به شمار می رود.

وی افزود: برخی از مطالبات مردم جزیره خارگ همچنان بر روی زمین مانده که مدیران باید برای رفع آن اهتمام جدی بورزند.

نماینده مردم استان بوشهر در مجلس خبرگان رهبری با تاکید بر اینکه نگاه مسئولان به جزیره خارگ باید ویژه باشد تصریح کرد: بهبود سیمای جزیره خارگ با جدیت بیشتری در دستور کار مدیران قرار گیرد.

حسینی‌بوشهری با اشاره به اینکه فرصت خدمت به مردم محدود است عنوان کرد: انسان وقتی عهده دار مسئولیتی می شود باید برنامه ریزی هدفمند داشته باشد و اولویت‌ها را مشخص کند تا هنگامی که به می خواهد مسئولیت را تحویل دهد اقداماتی که به سرانجام رسانده برای مردم ملموس باشد.

به گزارش ایرنا به علت مشکلات حوزه تامین آب و نیز ساماندهی فاضلاب در جزیره خارگ، پیشتر در سال ۱۴۰۱ نیز نماینده مجلس نیز خواستار حل این مشکلات شده بود.

عبدالکریم جمیری نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفته بود: با توجه به اهمیت جزیره استراتژیک خارگ ساماندهی وضعیت آبرسانی، توزیع آب و جمع آوری فاضلاب در این جزیره از جمله ضرورت‌هایی است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

خانواده بوشهری ۵۰۰ جلد کتاب به کتابخانه خلیج فارس اهدا کرد

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان بوشهر گفت: خانواده زنده‌یاد «فاطمه لشکری» در اقدام خیرخواهانه، ۵۰۰ جلد کتاب با ارزش از کتابخانه شخصی آن مرحوم را به کتابخانه عمومی خلیج فارس بوشهر اهدا کرد.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، «حیدر راهب» در جمع خبرنگاران افزود: این خانواده ۵۰۰ نسخه کتاب با ارزش را با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی به کتابخانه عمومی خلیج فارس شهر بوشهر اهدا کرده است.

وی بیان کرد: استان بوشهر دارای ۷۹ باب کتابخانه عمومی است که به تمامی اقشار جامعه در همه سنین خدمات ارائه می‌دهند.

مدیرکل کتابخانه های عمومی استان بوشهر تصریح کرد: در کتابخانه‌های عمومی این استان علاوه بر خدمات کتاب‌محور، خدمات فرهنگی و ترویجی نیز انجام می‌شود.

مسئول کتابخانه عمومی خلیج فارس بوشهر نیز گفت: کتاب‌های اهدایی خانواده فرهنگ دوست بوشهری بیشتری با موضوع ادبیات فارسی هستند.

«افسانه دارابی» افزود: طی مراسمی بزودی علاوه بر تجلیل از این حرکت خیرخواهانه، آیین نکوداشت سال‌ها فعالیت علمی و فرهنگی زنده یاد فاطمه لشکری در این کتابخانه خلیج فارس برگزار می‌شود.

مدیرکل بنادر بوشهر:

بیش از ۶۷۵ هزار گردشگر نوروزی از خدمات نوروزی این سازمان برخوردار شدند

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: در طرح گردشگری دریایی بنادر این استان ویژه ایام نوروز با انجام ۲۱۸ هزار سفر به ۶۷۵ هزار و ۹۵۲ نفر گردشگر خدمات ارائه شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، محمد شکیبی نسب در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در طرح گردشگری بنادر استان قایق های تفریحی با خدمات رسانی به ۴۷۱ هزار و ۸۶۲ نفر بیشترین سهم در طرح را به خود اختصاص دادند.

وی بیان کرد: بعد از قایق های تفریحی جت اسکی، موتورلنج و شناورهای فلزی مسافربری و گردشگری به ترتیب با خدمات رسانی به ۹۴ هزار و ۱۲۶، ۵۰ هزار و ۵۹۶ و ۴۲ هزار و ۷۷۶ گردشگری دریایی بیشترین سهم در اجرا طرح داشتند.

در طرح گردشگری دریایی بنادر این استان، ۹ موتورلنج سنتی در بنادر بوشهر، بوالخیر، عامری و رستمی و ۶ شناور فلزی در بنادر بوشهر و گناوه فعالیت داشتند.

تقلای طبقه متوسط؛ هشدار برای نظام حکمرانی

سجاد بهزادی



طبقه متوسط امروز جامعه ایران نحیف تر از همه سال های گذشته است. این طبقه بیش‌تر از آن که کنش گر باشد، تقلا گر شده است و برای ماندن در حداقل وضعیت خود و زندگی در حیات بشری، دست وپا می زند تا غرق نشود.

بین جامعه تقلا گر و کنش گر، خیلی فرق است. انسان برای دوام و تداوم بقای خویش و نیازهای زیستی خود همواره در تلاش و تقلاست. این تلاش معطوف به جسم و جان است و حیوانات دیگر نیز برای بقاء خود چنین تلاشی تا آستانه مرگ دارند.تقلا و تلاش این چنینی از دیدگاه هانا آرنت یک نوع فعالیت تکراری است که آغاز و پایانی ندارد، انسان ها در این قلمرو مانند حیوانات تابع ضرورت های زیستی یا طبیعی خود هستند.

اما کنش گری اتفاقی بزرگ تر است. به دنبال کنش گری، فرد کنش گر می خواهد هویت خویش را اثبات کند و می خواهد حضور اجتماعی، سیاسی و هنری در جهان انسانی داشته باشد. در وضعیت این چنینی، فرد اندکی از دغدغه های معیشتی فاصله می گیرد و برای کنش گری در حوزه عمومی تلاش می کند.

در اصل ۴۳ قانون اساسی نیز محتوایی هست که می گوید" در تنظیم برنامه اقتصادی کشور، شکل، محتوا و ساعات کار می بایست چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار نیز داشته باشد."

به باور من این اصل از قانون اساسی تاکید بر "کنش گرا" بودن افراد جامعه دارد. اگر طبقه متوسط را عامل اصلی تحرک اقتصادی و نشاط سیاسی و اجتماعی هر جامعه ای بدانیم، امروز این اصل از قانون اساسی در تنگناترین وضعیت خود قرار دارد.

کنش گرا بودن جامعه، نیازمند حضور یک طبقه متوسط بزرگ است. هر کشوری برای رسیدن به توسعه، راهی جزء تقویت طبقه متوسط ندارد. حتی اگر آن کشور شاخص های مطلوب دمکراسی را نداشته باشد و طبقه متوسط در گام دوم ظهور خود، ساختارهای آن کشور را نیز به چالش ببرد.

نمونه آشکار آن، کشور چین است. این کشور علیرغم چالش های دمکراسی و انسداد سیاسی، گفته می شود رشد بخش خصوصی در چین، یک طبقه متوسط حدود ۴۰۰ میلیون نفری ایجاد کرده که پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۸۰۰ میلیون نفر برسد.

کشورهای جهان، علیرغم همه فاصله های طبقاتی و فقری که بخش هایی از عالم را فرا گرفته است، همچنان طبقه متوسط بزرگ را ضامن توسعه و امنیت خود می دانند. نانسی بردسال؛ یک اسطوره در عرصه توسعه اقتصادی و بازیگر مهم اندیشکده‌های توسعه در جهان اعتقاد دارد "بهترین تضمین برای حکمرانی خوب، تقویت طبقه متوسط است؛ چون تاریخ به ما گوشزد می کند طبقه متوسط بزرگ و گسترده که احساس امنیت کند، بنیاد محکمی است تا حکومتی کارآمد و دموکراتیک ایجاد و حفظ شود."

در جامعه ایران اما وضعیت به گونه ای دردناک تر برای طبقه متوسط پیش می رود. این طبقه در سالی که گذشت مهاجرت را هدف قرار داد و رفتن را بر ماندن ترجیح داد. یک جامعه شناس به تازگی هشدار داده است " آمار مهاجرت آنقدر هست که جمعیت ایرانیان خارج از کشور را تغییر داده است. با مهاجرت بخش عظیمی از قشر متوسط، عملاً این طبقه فعال و موثر جامعه دیگر وجود خارجی ندارد؛ قشری که می‌تواند موتور تغییر مثبت در جامعه باشد، رو به اضمحلال است."

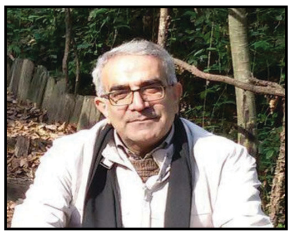
اندک طبقه متوسط باقیمانده در جامعه ایران، به شدت وابسته به حقوق آخر ماه و درآمد معین خود می باشد. چنین طبقه متوسطی همیشه در مواجهه با رکود اقتصادی شکننده خواهد بود و درآمدشان در برابر شوک‌های وارده به خانوار و نیز نسبت به کل اقتصاد نامطمئن است.

اندک طبقه متوسط نحیف باقیمانده در جامعه ایران، از ترس سقوط به جمعیت بزرگ طبقه پایین و فقر زده کشور، به شدت تقلا می کند و آینده ای پایدار برای خود متصور نیست. این طبقه حتی دیگر خود را بخشی از فرآیندهای آینده نمی بیند. نظام حکم رانی باید بفهمد، آینده بدون طبقه متوسط، آینده ترسناک و ناکامی است.

اگر به تعبیر یک وزیر هوش مصنوعی در اجلاس داووس ۲۰۲۴، کشورهایی که درآینده مجهز به هوش مصنوعی نیستند، در میان ملل تمام شده تلقی خواهند شد؛ بدون تردید کشورهایی هم که طبقه متوسط فربه و کنش گرایی ندارند، از کوران تحولات بین المللی عقب می مانند و باید با توسعه پایدار برای همیشه خداحافظی کنند.

دکتر سعید معدنی، جامعه‌شناس:

دیگر نمی‌توان نظر زنان را در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نادیده گرفت



– سیر اجتماعی جامعه ایران را در سال ۱۴۰۲ چطور ارزیابی می کنید؟

– فکر می کنم سال ۱۴۰۲ تحت‌تأثیر حوادث سال گذشته‌اش سپری شد؛ سال ۱۴۰۱ نقطه‌عطفی در تاریخ معاصر ایران است که احتمالاً نه‌تنها سال ۱۴۰۲ که حتی سال‌های آینده هم تحت‌تأثیر آن هستند. در حقیقت جنبشِ اعتراضیِ سال ۱۴۰۱، جنبشی زنانه بود که احتمالاً تداوم پیدا خواهد کرد و باقی ارکان جامعه را هم تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. واضح است که محوریت این قیام زنانه بود و حوادث حاشیه‌ای آن از جمله اخراج اساتید، افزایش آمار مهاجرت، دستگیری، زندان و... گویی همه در راستای حمایت از این جنبش رقم خوردند.

– دستاورد حاصل از اعتراضات سال ۱۴۰۱ و انعکاس آن در سالی که گذشت چه بود؟

– زمان باید بگذرد تا دستاوردهای یک جنبش مشخص شود، اما به صورت کلی این جنبش نشان داد که دیگر نمی‌توان زنان را به‌عنوان بخشی از جمعیت تشکیل‌دهنده جامعه نادیده گرفت یا بدون توجه به نظر آن‌ها برای امور مختلف اجتماعی تصمیم گیری کرد.

– با این تفاسیر می‌توان گفت زنان توانسته‌اند به برخی از مطالبات خود دست یابند؟

– نمی‌توان در عرض یک سال ارزیابی کرد که زنان به خواسته‌هایشان رسیده‌اند یا نه، اما نشانه‌ها حاکی از آن است که توجهاتی در داخل و خارج به وجود آمده است. یک سال پس از جنبش اعتراضی سال ۱۴۰۱، یک زن ایرانی جایزه صلح نوبل می گیرد؛ این مسئله ناخودآگاه به همان حرکت و قیام زنانه برمی گردد. یا در نظر داشته باشید که زنان بسیاری هستند که دیگر به پوشش (حجاب) قبل از جنبش برنگشته‌اند و ما می‌بینیم که در اماکن عمومی با پوششی آزادانه‌تر حاضر می‌شوند.



البته این شرایط مانند بازی فوتبال است که ما هنوز در حال بازی هستیم و بعد از پایان بازی می‌توان آن را به طور کامل ارزیابی کرد.

– پس به‌طور کل این تأثیرات از نگاه شما مثبت است.

– تأثیرات قطعاً مثبت بوده است. همین که زنان به خودآگاهی رسیده‌اند و به دنبال حقوقی مانند حضور در ورزشگاه، حجاب اختیاری و مشارکت در عرصه‌های مختلف مانند انتخابات و راهپیمایی‌ها با پوشش مدنظر خود هستند و می‌خواهند وجود خودشان را اثبات کنند، به‌نوعی یک دستاورد مهم است.

– در ابتدای گفتگو اشاره‌ای به «اخراج اساتید» داشتید؛ این موضوع هم یکی از وقایع موردتوجه در سال ۱۴۰۲ بود که واکنش‌های متعددی را در بر داشت. تحلیل شما از این پدیده و اثر آن بر فضای آکادمیک چیست؟

– دانشگاه یک فرایند است؛ شما می‌توانید به جای استادان باسواد و باتجربه، استادان متوسط و جوان‌تر را استخدام کنید، ولی احتمال دارد نتیجه مطلوبی دریافت نکنید، چرا که خروجی این فرایند، دانشجویان ضعیف‌تری خواهد بود. اخراج اساتید برجسته دانشگاه اقدامی بود که قطعاً اثرات منفی در سیستم آموزشی ما خواهد داشت. درست است که در هر شرایطی، کلاس تشکیل می‌شود و دانشجویی هم که به دنبال نمره است، واحدهایش را می گذراند و مدرکش را می گیرد، ولی در ادامه این روند، میزان افت دانشگاه‌ها فاجعه خواهد بود. به‌خصوص دانشگاه‌های ما که رو به افول هستند و اخراج اساتید هم به نوبه خود به این مسئله دامن می‌زند. البته این افول فقط به اخراج اساتید برنمی گردد. واقعیت این است که علم در جهانِ توسعه‌یافته شکل می گیرد و متأسفانه ما آنچنان با جهان علم، مراوده و آمد و شد مؤثری نداریم.

– چرا ارتباط مؤثری با جهان علم نداریم؟

– بخشی از علل افول دانشگاه‌های ما، به مسئله اخراج اساتید مربوط می‌شود و بخشی از آن هم به‌دلیل بازنشستگی اساتید برجسته است که با جهان در ارتباط بودند. مسائلی شبیه این باعث می‌شود به‌مرور ارتباط ما با جهان گسسته شود و نتوانیم سطح علمی کشور را بالا ببریم، به همین خاطر در این فرایند ما شاهد نزول بیشتر دانشگاه‌ها و قطع ارتباط با دنیای علم خواهیم بود.

– در آخر دیدگاه و پیشنهاد شما برای اصلاح وضعیت موجود و به حداقل رساندن چالش‌های اجتماعی چیست؟

– مسئولان ما باید به خودشان بیایند؛ بالأخره مردم چه به آن‌ها رأی داده باشند و چه رأی نداده باشند، واقعیت این است که نمایندگانِ منتخب قرار است مدیریت بیش از ۸۰ میلیون جمعیت را در خاورمیانه‌ی پرتلاطم و پرمشکَل برعهده بگیرند. حکومت باید خواسته‌های آن‌ها را در نظر بگیرد تا بتواند جامعه را به ریل اصلی خودش برگرداند./ خبرآنلاین

زندگی آگاهانه

فواید احساسات منفی

حسین زیرراهی – مدرس توسعه فردی



ما انسانها بصورت طبیعی در تمام زندگی دنبال چیزهای مثبت می‌گردیم و از هر چیز منفی فراری هستیم. از احساسات منفی خود گرفته تا آدمهای منفی و همین‌طور شرایط بد و سخت. دوست داریم در تمام لحظات عمرمان شاد باشیم و همیشه در حال استراحت، تفریح و لذت باشیم. خلاصه این که همیشه دنبال حس‌های خوب هستیم. فارغ از این که چنین چیزی میسر نیست به فرض محال اگر ممکن باشد برای ما مفید هم نیست. چون ما برای زندگی بر روی زمین به همه احساسات مخصوصا منفی‌ها نیاز داریم تا زنده بمانیم.

از هشت احساس پایه‌ای ما انسان‌ها و دیگر پستانداران نزدیک به ما فقط اعتماد و خوشی مثبت است. انتظار و غافلگیری خنثی است و در ترکیب با احساسات مثبت و منفی تغییر می‌کند. چهار احساس دیگر یعنی خشم، بیزاری، غم و ترس همه منفی است. این احساسات به صورت اتفاقی در وجود ما نهادینه نشده است.

در واقع ما به همه آن‌ها نیاز داشته‌ایم که در سیر تکامل در ما ایجاد شده‌اند.

مثلا ترس که مهم‌ترین و قوی‌ترین احساس ما است حافظ اصلی جان ما است و ما را از خطرات دور نگه می‌دارد.

غم واکنش ما به شرایط ناگوار است و این هم کاملا جنبه حفاظتی دارد. باعث می‌شود در زمان ناراحتی از واکنش‌های تند به محیط پرهیز کنیم و به خود برای بازگشتن به شرایط نرمال وقت بدهیم.

خشم برعکس ترس زمانی فعال می‌شود که ما فکر می کنیم توان غلبه بر تهدید را داریم و بنابراین تمام انرژی درونی ما را در دسترسمان قرار می‌دهد تا با آن تهدید بجنگیم و بر آن غلبه کنیم. و در نهایت بیزاری نیز به ما کمک می کند از آن‌چه آزارمان می‌دهد دوری کنیم و با این کار خود را از شرایط ناخوشایند دور نگه داریم.

چطور با احساسات منفی مان برخورد کنیم؟ اولین نکته این است که حتی اگر احساسات منفی را دوست نداشته باشیم و بخواهیم زود از شر آن‌ها خلاص شویم نیاز به کار خاصی نیست چون احساس زودگذر است و بالاخره از بین می‌رود. ولی متاسفانه ما به صورت غریزی تمایل داریم، با احساسات منفی بجنگیم، آن‌ها را نادیده بگیریم و یا فراموش کنیم.

این کار باعث می‌شود یا مقاومت بیشتری نشان دهند یا موقتی بروند ولی در مرحله بعد با شدت بیشتر به ما حمله کنند. مثلا ناراحت هستیم بجای این‌که بگذاریم این احساس در ما جریان داشته باشد و خودش برود تلاش می‌کنیم با هر زوری شده خود را شاد کنیم. یا از چیزی خشمگین هستیم بجای اینکه بگوییم من الان از این موضوع خشمگینم می گوییم نه چیزی نیست حالم خوبه.

مهمترین چیز در مدیریت احساسات منفی توجه به آن‌ها است. نیاز به انجام هیچ کاری نیست. فقط کافی است بنشینیم و آن‌ها را تماشا کنیم. یک مشکل بزرگ این است که اغلب نمی‌دانیم چه احساسی داریم و فقط می‌دانیم حالمان خوب نیست.

در این حالت لازم است از خود بپرسیم چه احساسی داریم. پی بردن به احساس و نامگذاری آن بخشی از مشکل را حل می کند. بعد بپرسیم که دلیل این احساس (مثلا ترس) من چیست؟ یا این احساس الان چه کمکی به من می کند؟

به یادت

حمید رضا گشمردی



دوست خوب و دیرینه ام حسین دهقانی عزیز کارگردان، نویسنده، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون، مرد فرهنگ و زندگی چه زود صحنه را ترک کردی زیرا از وجودت بهار و زندگی می‌تراوید و در بهار رفتی.

همیشه دوست داشتی، رایحه زیبای دریا را بر پهنه ساحل هنگام خاموشی موجها نظاره‌گر باشی و آن‌جا بود که می‌گفتی: شعری بخوان و می خواندیم شعرهایی که بر زبانم می‌لغزید و دو صدایی یک ارکستر دو نفری راه می انداختیم.

تا کی باشد از خاک مان چمن ها بروید و شاید کسانی نظری به چمن ها بیفکنند و کنج لب‌شان لبخندی بنشیند. درواقع جهان یادگار میلیاردها انسان هایی‌ست که پیش از ما بوده اند.

حسین دهقانی و آداب خردمندی

جواد متین: خبر تلخ درگذشت حسین دهقانی بازیگر نویسنده، پژوهشگر، منتقد و معلم تئاتر در نخستین روزهای سال ۱۴۰۳ و در آستانه روز جهانی تئاتر، شوک بزرگی به خانواده تئاتر استان بوشهر وارد کرد.

حسین دهقانی هنرمندی جامع‌الاطراف بود که فعالیت‌هایش پهنه وسیعی را در بر می‌گیرد. دهقانی از هنرمندان و بنیان گذاران سینمای مستقل و تئاتر تجربی در بوشهر بود. وی در دهه هفتاد شمسی کارگاه بازیگری حوزه هنری را به همراه احمد آرام بنیان گذارد، کارگاهی که به اعتراف خیلی از هنرمندان بزرگ تئاتر ایران، حداقل یک یا دو نسل نیروی متخصص تئاتری به جامعه این هنر ارائه کرد. کارگاه‌هایی که ضمن کشف استعداد، با پرورش اصولی این هنرمندان جوان، مسیر روشنی پیش روی آنان می‌گشود. جلسات تحلیل نقد و بررسی تئاتر و آثار ادبی بزرگ جهان از دیگر برنامه‌هایی بود که توسط حسین دهقانی به صورت جدی هدایت می‌شد و همواره یادداشت‌ها و مقالات متعددی از ایشان و شاگردانش در مطبوعات بوشهر به چاپ می‌رسید. تأثیر این نشست‌های علمی همچنان در فضای هنری و ادبی استان بوشهر مشهود است. بررسی آثاری چون کمدی الهی دانته سه گانه اشیل و تئاتر یونان، نمایشنامه‌های شکسپیر، استریندبرگ، ایبسن، آثار نویسندگان ایرانی چون اکبر رادی، بهرام بیضایی، صادق چوبک، هدایت، صادقی، گلشیری، خوانش و تحلیل شاهنامه فردوسی و... از جمله فعالیت‌هایی بود که در کارگاه نمایش تجربی حوزه هنری در کنار آموزش و پرورش بازیگران جوان با جدیت دنبال می‌شد. شاید این کنش شبهه آکادمیک و امروزه عجیب، دشوار یا غیرممکن به نظر برسد ولی باید پذیرفت که این مرد بزرگ آداب خردمندی که گوهر گمشده روزگار ماست را خوب می‌دانست، همچون رسولی که می‌بایست راه خوب دیدن، خوب فکر کردن و درست زندگی کردن را به شاگردانش بیاموزد. همانگونه که خود زیست. کو تا مادر گیتی دوباره چون ایشان بزاید.

در سوگ فقدان استاد حسین دهقانی

امید زاهد: ماناباد «حسین دهقانی» هنرمند، نویسنده و روزنامه نگار، زاده محله کوتی سال ۱۳۲۷ بندر بوشهر و دانش‌آموخته مدرسه سعادت در رشته علوم تجربی (طبیعی) به سال ۱۳۴۷ خورشیدی.

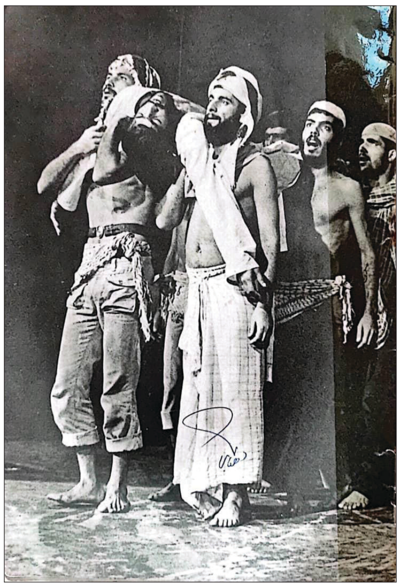
او به تشویق منوچهر آتشی وارد عرصه تئاتر شد. سایر استادانش: حسن برازجانی، محمدرضا نعمتی‌زاده، علی‌باباچاهی، دکتر سید جعفر حمیدی و شیرزاد آقایی بودند.

حسین دهقانی در حالی که در محله کوتی (محل اجرای تعزیه) شیفته هنر تعزیه خوانی شده بود، زمانی که در دبیرستان سعادت تحصیل می‌کرد در نمایشنامه‌ای، نقش فرزند یک خانواده را اجرا کرد. این اولین اجرای رسمی او بود که با حضور تماشاگران فراوان انجام گرفت. این نمایشنامه مورد توجه واقع شد و با تشویق‌های فراوانی که از آن به عمل آمد او را به ادامه راهی که انتخاب کرده بود ترغیب کرد.

استاد دهقانی چهار دوره به عنوان بازیگر به اردوی رامسر سفر کرد. دهقانی به همراه علی اکبر فرجی، حبیب زالی، اصغر جوادی، عباس جوادی، حمید باغکی، مرحوم خبرخوش و علی قربانی نمایش قلندرخونه را به نویسندگی و کارگردانی ایرج صغیری اجرا نمودند. او همچنین سال ۱۳۴۹ نامش را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران سینمای آزاد بوشهر در کنار مسیح مالکی، خورشید فقیه، محمدرضا بیات و جواد تلیان ثبت کرد.

در کارنامه فرهنگی - هنری او تشکیل کلاس و تدریس کارگاه تئاتر، کارگردانی، نمایشنامه نویسی، نویسندگی نمایش و نقد هنری، کارگردانی سینما و تئاتر، داوری جشنواره‌های استانی و کشوری در رشته فیلم و تئاتر، همکاری با صدا و سیمای مرکز بوشهر دیده می شود.

از آثار او می‌توان «تعزیه در بوشهر»، «اصناف در بوشهر»، «رمان مرثیه نقده دوز»، «شمربازی»، «هنر



پایدار و هنر ناپایدار در نمایش»، «اشتیاق به خلاقیت التزام به ابداع» و... را نام برد. روحش شاد و یادش گرامی.

فیلم‌های استاد:

خاطره کولی‌ها: داستانی ۲۰ دقیقه.

می‌خواهم ماهی بگیرم: (این فیلم در جشنواره بین‌المللی سینمایی آزاد در اصفهان برنده لوح تقدیر و نشان جشنواره گردید).

صدای غربت خورشید: داستانی ۲۲ دقیقه.

قلعه ملک: مستند ۱۰ دقیقه.

کلفات: مستند ۲۵ دقیقه.

حسین دهقانی؛ قصه تلخ از دست دادن قلندران فرهنگ و هنر بوشهر

محمد لطفی

در اندوه یاد حسین دهقانی جز افسوس کلامی نمی یابم، همواره بر این باورم که هنرمندان هستند حوالی دلتنگی‌ها و بغض ها در کوچه های تهی از حضورشان، حتی در بی‌تکلفی طومار خاطره ها که از خود به یادگار گذاشته اند.

زنده یاد حسین دهقانی فرهیخته مردی از دیار ما یکی از آن آدمهاست که در هوش و حافظه تاریخی تاریخ فرهنگ و هنر این بندر تبدار برای همیشه نام و یادش بر پیشانی آسمان خواهد درخشید.

او دریافته بود که رهیدگی و مانایی انسان تنها در هنر است که در قرارهای معین، معنا می یابد. حسین از تبار باران بود، ابر کرامتی که بارید و رویش مسیر تحقق اهدافش همه تکثیر عشق در وادی فرهنگ و هنر و داشته‌های مردمان بندر کوچکی که هرگاه هنرمندانش مجال یافته اند، همه را متعجب ساخته‌اند. کم نیست افتخارآفرینی‌های او در زمینه‌های گوناگون هنری که او از خود به یادگار نهاده است. حسین فریادگر حماسه های جاودان قوم و قبیله‌ای بود که به تاریخ، فرهنگ و هنرشان آمیزه غریب این اسکان‌گاه، این جغرافیای خشن و بی‌رحم است. حسین دهقانی از فراز شانه‌های تاریخ و آیینی می‌آید که سرشار از شور و هنر است. او زبان ناخدایان و ملاحانی شد که هر روزشان در پیکار با موج توفان، برای بقاء خود، هنر است و هنرمندی به توانمندی حسین دهقانی باید هم چنین عاشق به میدان بیاید، باید هم چنین سرمست در شور و یزله، همه تن خود در رقص راهبانه آیین تو را ببرد به آن‌سوی همه گفتنی و شنیدنی‌های هنر، زیرا او هنر را برای همین خواسته، رسیدن



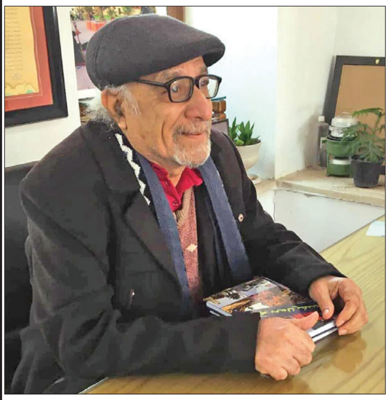
به مرز معنایی، خیرگی، واکاوی که در این زمینه از او فرهیخته انسانی هنرمند با شناخت ریزه‌های بنیادین هنر ساخته بود. خردورز و بلندنگر در اجرا و آفرینش و احساس ناب که رویاهایش را همه برگستره صحنه هروله رفته بود تا راز جاودانگی هنر خصوصاً تأتر برایش طعم بوسه‌های آتش بگیرد.

حسین دهقانی یعنی نسلی که همراه دیگر قلندران تئاتر این بندر تئاتر بوشهر را محل الگو و اتکا تئاتر ایران نمودند، نسلی برآمده از تاریخی پر از درد و رنج و جبری که به زیبایی در ادبیات ما با زبان هنر و به مساعی آیین در قاب چشم‌ها، نازخیز و نوازشگر تا همیشه تاریخ به یادگار خواهد ماند.

قصه تلخ تکرار از دست دادن یاران و کوچ حسین دهقانی در فصلی نو رس که چنین به خزان گرایید، پیچاب اندوه سترگی است بر اهالی فرهنگ، هنر و ادب دوستان که بی‌گمان دل هر هنرمند و هنر دوست فرهیخته و فرهنگ دوست را می‌آزارد و رنجه می‌دارد درد و دریغی است بزرگ این رخداد اندوه بار و سوگ اندید. روانش شاد باد.

ای واویلا چه نهنگی شی ِگل آوی

مهدی انصاری



انگار هزار سال گذشته. حسین، حسین خندان، حسین، حسین عزیز. کسی فکرش را هم می‌کرد که همه چیز چنان دگرگون شود که این لحظات چنان دور، غیرقابل دسترس و غیرقابل تکرار باشد؟ مثل حال و هوای گذشته تئاتر؟

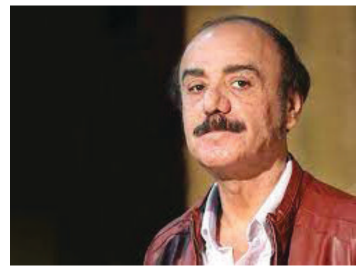
حسین دهقانی به معنای واقعی یک پدر معنوی بود. بی دریغ درس می داد و مثل خیلی از پیشکسوتان کناره‌گیر و در آموزش بخیل نبود. جایش کتابخانه بود و از جدیدترین آثار منتشر شده اطلاع داشت. بسیار به جوانان و علاقمندان هنر اعتماد و کمک می کرد. نمونه اش خودم. من در دهه هفتاد که دانش‌آموزی درس نخوان، ولی عاشق کتاب بودم در حوزه هنری مجلات پر رونق آن زمان را با خط خودش به من اهدا می کرد. با حوصله و عشق مرتبا سوالاتم را در مورد سبک‌های ادبی و اسطوره ها و تاریخ تئاتر و تاریخ شهر و استان بوشهر پاسخ می‌گفت. تسلط بی‌نظیرش در این حوزه ها غبطه برانگیز بود. کسی که در دهه ۳۰ به همراه منوچهر آتشی و منیرو روانی پور و جمعی از دانش آموختگان مدرسه سعادت به اجرای تئاتر می‌پرداختند. بابرگشتن دانشجوی پرسودای دانشگاه فردوسی مشهد به بوشهر، استاد ایرج صغیری فصل مهمی درتاریخ تئاتر بوشهر و ایران با نمایش های «قلندرخونه» و «محپلنگ» در جشن هنر سال های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۶ رقم خورد، که یکی از مهمترین اعضای گروه و از پایه‌های آن حسین دهقانی بود.

حسین دهقانی اولین کسی است که جایزه فیلم کوتاه را برای فیلم کوتاه «ماهی» در قبل از انقلاب و در جشنواره سینمای آزاد از آن خود کرد. دهقانی به همراه مسیح مالکی و خورشید فقیه از بانیان سینمای آزاد در بوشهر بود. حسین مسلط به ادبیات عامه، اسطوره شناسی، تعزیه، تئاتر و سینما بود. در دهه هفتاد به همراه احمد آرام نویسنده و کارگردان مشهور بوشهری تئاتر کارگاهی را در حوزه هنری بنیان نهاد. در سال های بعد نیز به عنوان مدیر هنرهای نمایشی حوزه رپرتوار تئاتر مدرن را در چندین دوره برگزار نمود. دهقانی در سال‌های بعد از رفتن از حوزه به پژوهش و نویسندگی پرداخت که ماحصل آن چندین کتاب پژوهشی در حوزه تئاتر، تعزیه، فرهنگ عامه، تاریخ و رمان‌های «مرثیه نقده دوز»، «من من داس ها»، «گریسی» و..است.

میراث حسین دهقانی علاوه بر آثار متنوعش تربیت نسلی از هنرمندان تئاتر و سینما در دهه شصت و هفتاد و هشتاد است. او به همراه احمد آرام در دو دهه در تئاتر بوشهر جریان ساز بود. حسین را با لبخند همیشگی اش به یاد می‌آورم. با کَل محمد و دیالوگ مشهورش در نمایش «قلندرخونه» که همیشه سلام علیک بین‌مان بود. «ای غزون تموم نمیشن پدرسگا. شو بیکارن هی بچه پس میندازن... هر خونه ای یه گنگینا...

همه چیز از پدران‌مان شروع شد...

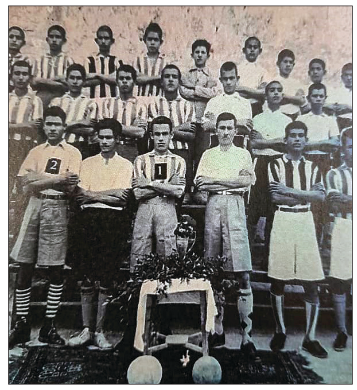
احمد آرام



همه چیز از پدران‌مان شروع شد، از کراوات‌های رنگارنگ آن‌ها که ما یعنی من و حسین از جامه‌دانشان خیلی محترمانه و دزدکی بر می‌داشتیم و در جشن‌هایی که در سالن فرهنگ برپا بود به یقه پیرهن می‌بستیم. هر کدام کت و شلواری داشتیم که توی بازار خیاط‌ها برایمان دوخته بودند. توی کت و شلوار و کراوات پز می‌دادیم و جفتی می‌رفتیم به سمت جشن‌ها، هر وقت که نمایش داشتیم یعنی بازیگری می‌کردیم، باز هم با کت و شلوار و کراوات در شب اجرا سر و کله‌مان پیدا می‌شد. بچه‌های محل هر وقت ما را با کراوات‌های مسروقه می‌دیدند، می‌پرسیدند امشب نمایشه؟ و کراوات‌ها شده بود یک نشانه‌ی بسیار مهم.

همه چیز از پدران‌مان شروع شد، از همین عکسی که می‌بینید. این عکس در دوران انگلیسی‌ها گرفته شده است و اولین تیم فوتبال در تاریخ ایران است. پدرم با شماره یک و پدر حسین با شماره دو در عکس دیده می‌شود. دوستی آن‌ها از دوران نوجوانی شروع شده بود و بعدها هر دو استخدام اداره معارف شدند که پدرم معلم ورزش شد و پدر حسین در کار اداری مشغول گشت و اگر دوستی ما از دوره نوجوانی شکل گرفت به این دلیل بود که هر دو ساکن محله‌ی کوتی بودیم.

از دوران دبیرستان جذب تئاتر شدیم، چون حسین چند سال از من بزرگ‌تر بود نقش‌های خوبی می‌گرفت. بازیگری برای هر کدام از ما شروع یک زندگی هنری بود؛ زندگی سرشار از عشق به هنر. تئاترهای دبیرستانی تئاترهای تاریخی بود و هنوز تئاترهای اجتماعی راه به صحنه باز نکرده بود. در سالن تئاتر دبیرستان سعادت رشد کردیم، سالنی که تقریباً الگویی از معماری تئاترهای یونانی داشت، حتی جای ارکسترا در جلوی صحنه، جایگاه سوفلور روی آوان سن و داشتن چاهکی که در آن وسط سن باز می‌شد و همیشه روح یا دود از آن وارد صحنه می‌شد که همه را به تعجب وا می‌داشت. بعدها که سالن فرهنگ ساخته شد ما صاحب یک سالن بزرگ و سن نمایش شدیم.



برای اولین بار یک نمایش خارجی روی صحنه بردیم که اسم آن «خشم آقای اوبراین» بود. وقتی سال ۱۳۴۷ منوچهر آتشی مسئولیت امور تربیتی را پذیرفت، اولین نمایش روستایی با نویسندگی و کارگردانی آتشی کلید خورد. در این نمایش من و حسین، منیرو روانی‌پور، عباس عباسی، بیژن ملاح‌زاده و چند تن دیگر در آن بازی کردیم.

همه چیز از پدرانمان شروع شد، صمیمیت آن‌ها باعث گردید تا هر دو در جوانی کارمند اداره معارف شوند و ما یعنی من و حسین آن‌قدر توی نمایش‌های گوناگون بازی کردیم تا سرانجام هر دو به استخدام اداره کل فرهنگ و هنر درآمدیم و تا قبل از انقلاب این همکاری ادامه داشت.

بعد از انقلاب پس از، ازهم‌پاشی فرهنگ و هنر، کارمندها پراکنده شدند و هر کدام را فرستادند به ادارات مختلف، اما من و حسین دوباره همکار شدیم این بار در دانشگاه علوم پزشکی. اگر همه چیز از پدران‌مان شروع نمی شد چه بسا همدیگر را گم می کردیم.

یاد آن روزها هم بخیر

خورشید فقیه



هردم از این باغ بری می‌رسد/ تازه تر از تازه تری می‌رسد شدت مصائب و گسترش و غلظت روز افزون سیاهی‌ها، ناخواسته ذهن و توجه هر انسان دردمند معاصر ایرانی را معطوف به این پرسش معمایی شاعر بزرگ نیما یوشیج می کند «به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده‌ی خود را».

هنوز غم و اندوه از دست دادن پرویز هوشیار عزیز؛ هنرمند مردمی و دردآشنای دیارمان تسکین نیافته و همچنان بر ذهن و زبانمان جریانی تلخ و ناایستا دارد که ناگهان کوله‌بار سنگین غصه و ماتم مرگ نابهنگام حسین دهقانی هنرمند مهربان و مردمی نیز مزید بر علت گردید! واقعا که چه روزگار تلخ و سیاهی!؟

بارها شنیده و گفته و خوانده و نوشته‌ایم که بگذرد این روزگار تلختر از زهر، بار دگر روزگار چون شکر آید. اما دریغ که در این طول و عرض عمر کج و معوجی که به ما ارزانی شده است، انگار که از شیرینی شکر بهره‌ی کمتری نصیب ما شده است! گویا تا اینجای این نوشتار اختیار قلم و ذهن و احساسم بیشتر معطوف به تلخی‌ها گردیده و جایی برای آن که تبسمی حتی گذرا نیز برلب‌ها بنشاند، برجای نگذاشته است! که از این بابت و در این ایام مثلاً شادی‌های نوروزی عذر تقصیر دارم به محضر شما عزیزان خواننده، پس فرمان عاطفه و احساس را می چرخانم به سمت دیگر تا شاید اندکی از اندوه شما را در این وانفسای دلتنگی‌ها و آکنده از اشک و آه‌های زمانه بشویم و بکاهم حتی اگر با ذکر خاطره ای که محور اصلی آن، باز هم همانا حسین دهقانی شوخ و پیوسته لب به خنده‌ی عزیزمان باشد.

چندین سال پیش بود که یکباره تصمیم گرفتم سناریویی تحت عنوان «راهی در انتهای توقف» را که قبلاً نوشته بودم با یاری دوستانی هنرمند و اهل فن بر پرده سینما بنشانم، لذا پس از گذشت سال‌ها و گفتگوها و مشاوره با تنی چند از یاران همدل و همراه، دل به دریا زده و دست بکار شدم. موضوع و سوژه این سناریو نگاهی فشرده و تا اندازه‌ای فلسفی به سیر ناگزیر تطور تاریخ اجتماعی بشر بوده و هست. پس برای به اجرا درآوردن این قصد و ایده با تعدادی از دوستان اهل فن و هنر و خبره در مسائل اجرایی سینمایی از جمله عزیزان مسیح مالکی، علی قربانی، زنده یادان حسین دهقانی و ضیاء امیری و.... دست بکار شدیم.

در یکی از صحنه و پلانهای فیلم، شخصیت اصلی بازی یعنی حسین دهقانی می‌بایست برای مدتی تقریباً طولانی و با دستان و بدن تقریباً بسته در یک گودال حدوداً یک متر و نیمی قرار می گرفت که اطراف بدنش محصور و ناپیدا از توده‌های شل و خاک بود. ضمناً در آن لحظه نیز با وجود توده ابر سیاهی که آسمان را فراگرفته بود. اما هیچ اثر و نشانه‌ای از وزش باد و ریزش باران وجود نداشت. به مجرد آن‌که مسیح مالکی پشت دوربین قرار





گرفت و مشغول فیلمبرداری، ناگهان رگبار شدید باد و باران وزیدن گرفت و هر کس دست افزاری بدست بدنبال سرپناهی گریختند و حسین هم در همان تنگنایی که بود، در تلاش برای بیرون کشیدن خود از آن گودال اما زنده یاد ضیاء امیری که سوژه‌ای برای شوخی کردن با حسین پیدا کرده بود، خنده بر لب و با حالتی تمسخرآمیز مانع از کمک رسانی دیگران بود. حسین که با تلاش و تقلا درصدد نجات خود بود، با مشاهده چنان حالتی ضمن آن‌که ضیا و دیگران و بخصوص مرا زیر رگباری از توهین قرار می‌داد با آزاد شدن یکی از دستانش، با عصبانیت خاص شروع کرد به کندن ریش و پاک کردن بقایای گریمی که ضیاء ساعت‌ها صرف آنها کرده بود و تهدید جدی که دیگر حاضر به ادامه کار نخواهد بود که البته با یک روز تأخیر و با خیر و خوشی فیلم ساخته شد تا این‌که با گذشت سال‌هایی چند از آن ماجرا حسین هر وقت که مرا می‌دید با یادآوری آن روز کذایی، همچنان با خنده‌ای که مخصوص خودش بود و با حسرتی از ته دل می گفت یاد آن روزها هم بخیر.

شبی به یاد استاد دهقانی



گردهمایی هنرمندان در شبی به یاد استاد دهقانی در هفتمین روز درگذشت این هنرمند برجسته برگزار شد.

در این آیین که به همت گروه رادیو حادثه و اجرای پیمان زند برگزار شد، ایرج صغیری، عباس شاهپیری، جهانشیر یاراحمدی، پیرامون ابعاد شخصیت هنری و زندگی استاد دهقانی به ایراد سخنرانی پرداختند. احسان احمدزاده نیز قطعه شعری را تقدیم استاد نمود. عبدالرحمن برزگر در این رابطه گفت، در این نشست دو فیلم از سینمای آزاد با نام‌های تاریخ به کارگردانی خورشید فقیه و با بازی حسین دهقانی و علی قربانی و همچنین فیلم این آمدن و این رفتن ساخته محمد رضا بیات، با بازی عباس جوادی و فیلمبرداری حسین دهقانی پس از ۵۰ سال اکران شد. برزگر افزود تعدادی فیلم ۸ میلیمتری پس از تبدیل به دیجیتال آماده نمایش شده است. وی ابراز امیدواری کرد که در نشست آینده فیلم سفر غریب ساخته استاد صغیری را اکران نمایند.



گفتنی است اکران فیلم ها با تشویق هنرمندان حاضر در سالن روبرو شد. پایان بخش برنامه اکران بخشی از مستند «همیشه استاد» ساخته آریو انصاری بود.

دکتر اورمز دهقانی فرزند زنده یاد دهقانی طی سخنانی، ضمن تشکر از همه ی مردم و هنرمندان گفت با خانواده قرار گذاشته‌ایم که به کمک



شما هنرمندان و مادر بزرگوارم، بنیاد آثار پدرم را تاسیس نماییم که با استقبال حاضرین روبرو شد.

شایان ذکر است دو نهال درخت به یاد زنده‌نامان حسین دهقانی و پرویز هوشیار در محوطه مجتمع گردشگری دریادلان غرس شد.

پایان بخش برنامه، اکران بخشی از مستند «همیشه استاد» ساخته آریو انصاری بود.



نقدی به هم استانی های بوشهری

مطالبه گری حق شماست

دکتر عبدالرحیم مهرور



تاریخ مبارزان استان بوشهر برگ زرینی از مردان مبارزی دارد که ایران را مدیون خود کرده: ۱- رئیسعلی دلواری علیه انگلیس.۲-میرمهنای بندر ریگی علیه هلندی‌ها و پرتقالی‌ها.۳-احمد خان و حسین خان چاهکوتاهی علیه بریتانیا.۴-غضنفرالسلطنه علیه بریتانیا.۵- شیر (زار) محمد تنگسیری علیه تجار ربا خوار.۶- نادر مهدوی و بیژن گرد علیه ناوگان آمریکا.

بوشهر شبه جزیره و بندری تجاری تفریحی با بن‌بست مواصلاتی؛ در جنوبی‌ترین نقطه کشور معروف به نگین خلیج فارس (شهر عمارت‌ها) در شمالش جزیره خارگ یا همان دُر یتیم خلیج فارس و در جنوبش بندر زرخیز عسلویه یا مروارید خلیج فارس، اما در مطالبه‌گری و محرومیت‌ها، تنهای تنهای تنها با انسان‌هایی محجوب و محبوب که کمتر حق‌شان را فریاد می‌زنند و آن‌هایی هم که دستی در صحنه دارند، بخاطر ترس از گرفتن پست‌شان، حاضر نیستند خود را به خطر انداخته و در نهایت در مرکز سکنی می گزینند.

جامعه‌ای می‌تواند روی خوشبختی و سعادت ببیند که مردمانش مطالبه‌گر باشند. مطالبه‌گری از ارکان پیشرفت یک جامعه است، به همین منظور باید مردم از این آگاهی و شهامت بر خوردار باشند تا بتوانند صدای اعتراض خود را نسبت به تبعیض‌ها بطور مستمر و از طریق مقاله، طومار و حتی تجمع (اصل ۲۷ قانون اساسی) به گوش و رویت مسئولین برسانند.

جامعه ای که شهروندانش مطالبه‌گر نیستند، جامعه مرده‌ای‌ست و جایی که در آن حزب جایگاهی ندارد، مطالبات مردم باید از طریق شوراهای شهر به سمع مسئولین رسانده شود اما متاسفانه شوراها هم بیشتر به فکر منافع شخصی خود هستند و به خاطر سابقه بد، مردم دیگر به آن‌ها هم اعتمادی ندارند، بنابر این مردم باید در همه امور به خصوص رفع تبعیض‌ها خودشان پیش گام باشند.

شهروندان گرانقدر باید هوشیار باشیم و نباید تمام هم و غم زندگی‌مان صرف فوتبال، رقص و آواز و امثال اینها شود هر چند که شادی برای زندگی لذت بخش بوده، اما مهمتر از این‌ها احساس مسئولیت و نوع‌دوستی و رفع تبعیض‌هایی است که از طرف دولت‌مردان و گماشتگان آن‌ها در استان برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود.

همان‌گونه که روز بوشهر (۱۸ اسفند) مهم است، مطالبه‌گری هم مهم است، همان‌گونه که فستیوال موسیقی کوچه بوشهر مهم است، بهداشت و فرهنگ کوچه هم مهم است.

باید معترض شویم که چرا سرمایه‌های کشور بیشتر صرف و هزینه استان‌های مرفه می‌شود و جنوبی‌ها با این همه انباشت ثروت همچنان محروم؟!

نباید در سایه این شادی‌ها مغرور شویم، باید هوشیار باشیم تا ظلمی به مردم استان بوشهر نشود.

باید بدانیم این تقسیم ناعادلانه ثروت است که عامل عقب افتادگی مناطق محروم کشور از جمله بوشهر می‌شود، آن هم استانی که از ثروت فوق العاده‌ای برخوردار است.

در رونمایی از کتاب فایز مفتون مطرح شد؛

فتح بابی برای فایز پژوهشی

«فایز مفتون» بازتاب‌دهنده سیمای شاعر در ادبیات فولکلور است

عبدالله رئیسی، استاد دانشگاه و منتقد ادبی جنوبی، کتاب «فایز مفتون» را کارپژوهشی فاخری دانست و تأکید کرد: این اثر، بازتاب‌دهنده سیمای فایز در ادبیات فولکلور و منطقه جنوب و فتح‌بابی برای انجام کارهای پژوهشی بیشتر درباره فایز است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، این شاعر و پژوهشگر ادبی شامگاه سه‌شنبه در آیین رونمایی از کتاب «فایز مفتون» تألیف سیدقاسم یاحسینی و بشیر علوی، فایزپژوهان جنوبی گفت: «فایز مفتون» کار پژوهشی فاخری است که می‌تواند اساس و ریشه دیگر کارهای فایزپژوهی قرار بگیرد.

رئیسی با تأکید بر این‌که فایز مفتون، بازتاب‌دهنده سیمای فایز در ادبیات فولکلور و منطقه جنوب است، تصریح کرد: این اثر حاصر کار دو پژوهشگر نکته‌سنج و فایزپژوه دغدغه‌مند است که به همت انتشارات «شروع» با مدیریت علی هوشمند منتشر شده است. کیفیت و شکیل‌بودن طرح جلد و شکل ظاهری کتاب نشان از پختگی و ریسک‌پذیری ناشر و طراح کار دارد که با ترسیم زیبایی در عین سادگی حرفه‌ای بودن خود را به رخ کشیده‌اند.

رئیسی با اشاره این‌که فایز مفتون فرصت مناسبی را برای این سیدقاسم یاحسینی و بشیر علوی ایجاد کرده که به نحو مطلوب و جامعی به فایزشناسی بر اساس نسخه‌های فایز خلیجی، فایز معرفت، فایز زنگویی بپردازند، گفت: در این اثر همه ارجاع‌ها به کارهای پژوهشی معتبر درباره فایز است و کار با نگاه و سلیقه‌ای کاملاً پژوهشی و علمی انجام شده است. بنابراین این کار که از دید من کامل‌ترین اثر پژوهشی در حوزه فایزشناسی است، می‌تواند مرجعی برای دیگر پژوهشگران درباره شعر و شخصیت فایز باشد.

وی سپس به فصل اول فایز مفتون که «مقدمه» نام دارد، اشاره کرد و افزود: مقدمه این کتاب یکی از بلندترین و منحصربه‌فردترین مقدمه‌های تاریخی در ادبیات معاصر است.

رئیسی، مقدمه فایز مفتون را آغازگر پژوهش درباره فایز دانست و تصریح کرد: این مقدمه در ۱۰۰ صفحه نوشته شده که یکی از ویژگی جالب آن، گریزی است که مؤلفان اثر در آن به کار محمد گل‌اندام در شرح اشعار حافظ و همچنین یغما زده‌اند و کار خود را با این دو مقایسه کرده‌اند. از دید من، این دو فایزپژوه در این کار علاوه بر پژوهش، درباره فایز به یک اجتهاد رسیده‌اند.

فایز غیرسیاسی‌ترین شاعر روزگار ماست

سیدقاسم یاحسینی، مورخ اجتماعی و یکی از مؤلفان کتاب فایز مفتون نیز در بخش بعدی این آیین گفت: حوزه فایزپژوهی، حوزه درازآهنگی است که حدود ۱۰۰ سال است شروع شده است. تا پیش از انتشار فایز مفتون، بیشتر در حوزه نسخه‌شناسی و متورم کردن دوبیتی‌های فایز کار شده بود تا در بعد فایزشناسی!

وی ادامه داد: من از سال ۷۶ بعد از برگزاری کنگره‌ای درباره فایز که انعکاس خیلی خوبی هم در آن دوره داشت، نسبت به فایزشناسی دغدغه پیدا کردم و مقالات متعددی در باب این شاعر بومی نوشتم. خاطرم است که ۲۵ سال در پی کتابی بودم که درباره فایز در دوره رضاشاه بر اساس نسخه خلیجی نوشته شده بود و من آن زمان درباره آن یک مقاله نوشته بودم که خوشبختانه سال گذشته این کتاب از طریق یک پژوهشگر هم‌استانی به دستم رسید.

یاحسینی بیان کرد: در دوران کرونا موفق شدم ۶ کتاب بنویسم که یکی از آن‌ها کتاب «از فیض فایز» در گفت‌وگو با عبدالمجید زنگویی، پیشتاز فایزپژوهی در جنوب کشور بود. در این اثر من با سوالات جدی این فایزپژوه پیشرو را به چالش کشیدم تا به پاسخ‌های روشنی برسم.

وی افزود: انتشار این کتاب باعث شد که فایز را به یک پروژه تبدیل کنم و ماحصل آن نگارش یک کتاب دوجلدی ۸۰۰ صفحه‌ای درباره فایز است که از ابعاد مختلف فایز را مورد واکاوی قرار داده است. امیدوارم این کار هر چه زودتر راهی بازار کتاب شود.

یاحسینی فایز مفتون را در مقایسه با دیگر آثاری که درباره فایز تاکنون منتشر شده، متفاون و از رنگ دیگری داست و گفت: این اثر تبارشناسی فایزپژوهی است که از زایش شعر فایز آغاز شده است. بدیهی است نخستین بار در سال ۱۳۳۳ اشعار فایز به همت یک افسر برازجانی جمع‌آوری



شده است. فایز تاریخ جالب و پرآب چشمی دارد. برخی از نویسندگان نظیر ایرج صغیری و محمد بیابانی حتی او را موجودی خیالی می‌دانند که برخاسته از تخیلات طبقه کارگری و دهقانی است.

وی تأکید کرد: ما به استناد ۶ تذکره‌نویس که در زمان حیات فایز زندگی می‌کردند، وجود خارجی این شاعر را اثبات کردیم. فایز ۸۰ سال عمر کرد و در دوره حیات وی، دو اتفاق مهم سیاسی روی داد؛ یکی اشغال بوشهر و دیگری انقلاب مشروطه است؛ اما این شاعر در هیچ‌کدام از سروده‌های خود به این رویدادهای تاریخی اشاره نکرد. از دید من، فایز غیرسیاسی‌ترین شاعر روزگار ماست و راز ماندگاری او در این است که او شاعر عشق بود؛ چون عشق هرگز نمی‌میرد.

یاحسینی یادآور شد: در کتاب فایز مفتون، ۱۴۲ دوبیتی جدید و کشف‌نشده فایز را به شیوه پوپر کار کردیم. نسخه زنگویی در بازخوانی نسخه دست‌نویس مفتون از این دوبیتی‌ها کمک زیادی به ما کرد. امیدواریم با انتشار این کتاب، فایزپژوهی در استان رونق بیشتری بگیرد تا فایز بهتر شناسانده شود.

جدی‌ترین کاری که در حوزه فایزپژوهی نوشته شده‌است، فایز مفتون است

مجید عابدی، شاعر و منتقد ادبی جنوبی نیز در بخش پایانی این آیین گفت: فایز مفتون اثری ارزشمند است که به گنجینه فایزپژوهی استان افزوده شده است. از دید من، جدی‌ترین کاری که تا این لحظه در حوره فایزپژوهی نوشته شده استف فایز مفتون است.

وی ادامه داد: استفاده از روش علمی، دقت کافی در ارائه داده‌ها و استنتاج دقیق، این کتاب را منحصربه‌فرد کرده است. مولفان فایز مفتون با غور و تفحص در نسخه‌های مختلف فایز و تدوین سیر فایزپژوهی، ما را به خوبی با تاریخ فایزپژوهی آشنا می‌کنند. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، باید کار سیدقاسم یاحسینی و بشیر علوی را در تدوین این اثر تحسین کنیم که اثر فاخری را در حوزه فایزپژوهی بدون کمترین نقصی منتشر کرده‌اند.

این پژوهشگر ادبی یادآور شد: با توجه به آمیخته‌شدن زندگی فایز به افسانه‌ها و قصه‌پردازی‌های لازم است که به کمک پژوهش‌های علمی و ادبی فایز بهتر شناسانده شود و گرد و غبار زمان از چهره‌اش زدوده شود.

به گزارش ایبنا؛ کتاب «فایز مفتون» تألیف سیدقاسم یاحسینی و بشیر علوی که زمستان ۱۴۰۲ به همت انتشارات شروع منتشر شد، شامگاه سه‌شنبه در آیینی با حضور اساتید دانشگاه و جامعه ادبی بوشهر در پردیس علامه طباطبایی دانشگاه فرهنگیان بوشهر رونمایی شد.

به کوشش پژوهشگر جنوبی؛

کتابی درباره شاعر ناشناخته گناوه‌ای منتشر شد



تازه‌ترین اثر مکتوب محمد مظفری، کارگردان تئاتر، نویسنده و روزنامه‌نگار جنوبی درباره شاعر ناشناخته گناوه‌ای با عنوان «ناقص حیات داوودی» به همت انتشارات دریانورد منتشر شد.

نویسنده «ناقص حیات‌داوودی» در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، درباره محتوای این اثر گفت: این کتاب درخصوص شعر و زندگی شاعر گناوه‌ای؛ کربلایی محمدقلی شاعری معروف به «ناقص حیات داوودی» است که متاسفانه به خوبی در حوزه ادبیات جنوب کشور و استان بوشهر معرفی نشده است.

محمد مظفری افزود: کربلایی محمدقلی شاعری در قالب‌های مختلف شعری تبحر داشته، ولی منظومه بلند او یکی از حماسه‌های برار ایران زمین است که به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شده و مردم شهرستان گناوه آن را بسیار دوست دارند.

وی با بیان این‌که در سال‌های گذشته برای معرفی این شاعر صاحب سبک اتفاق خاصی صورت نگرفته است، تصریح کرد: در این اثر ضمن معرفی زندگی اجتماعی و شخصی ناقص به ویژگی‌های شعری او نیز پرداخته‌ام.

این نویسنده جنوبی با بیان این‌که متاسفانه بسیاری از اشعار او در گذر تاریخ از بین رفته، افزود: سعی کردیم با کمک بزرگان منطقه حیات داوود و شهرستان گناوه تعداد زیادی از اشعار این شاعر صاحب‌ذوق بازیابی و به ثبت برسد.

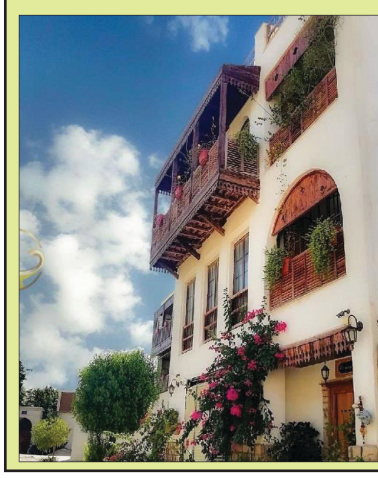
مظفری با بیان این‌که ناقص یکی از پیشگامان حماسه‌سرایی و جنگ‌نامه‌نویسی و کلاسیک‌گویی در شعر استان بوشهر بوده است، گفت: در این کتاب سعی شده از شاعران پیرو این شاعر بزرگ هم یادی شود. افزون بر این، در قسمت دوم کتاب به زندگی و شعر ملاسراج دیگر شاعر اهل روستای محمدصالحی نیز پرداخته شده است.

به گزارش ایبنا؛ کتاب «ناقص حیات داوودی» تألیف محمد مظفری به همت انتشارات دریانورد در ۲۵۶ صفحه بهار ۱۴۰۳ راهی بازار کتاب شده است. این اثر قرار است در اردیبهشت امسال در همایش بزرگداشت «ناقص حیات داوودی» در روستای محمدصالحی شهرستان گناوه رونمایی شود.

این کُنجِ نقشه...

حسام حق پرست

بوشهر!
تاریخِ همراهِ همواره ی همه ی احوالِ جهانْ!
اوراقِ نجابت و مهربانی ات
را دوباره رازناک روزی مارکِز در تنهایی صد
ساله اش خواهد نوشت
و
زیارتگه رندان جهان را حافظ در گذری چند
از خیّام و تورّقی سنگین و ژرف از سعدی
شیراز به
به بوشهر خواهد کشاند!
بوشهر!
چه زنده و پُر فریاد در شب‌های قلندرخونه
ی صغیری...
و چه اوج سر داد آتشی در خوانشی جاودانه
تا عظیم‌ترینِ عبدوی جط را روایت کند...!
و خوشا...
و خوشا...
و خوشا بر ما
که گذشت در بندرِ جان؛
بوشهرِ عزیز
عُمر و حکایت زندگی مان!



چشم دنیا...

مرتضی زندپور

بهار آمد و سرمه به چشم دنیا شد
زمین خشک مزین به فرش دیبا شد

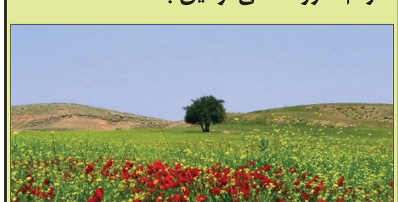
نشست شبنم سردی به روی آتش گل
در اهتزاز هوا چشم غنچه ها واشد

وزید چهره ی مهتاب روی برکه ی شب
به چشم شب زده تصویر ماه پیدا شد

به شوق آتش سردی که در دل باغ است
نگاه حسرت پروانه در تماشا شد

هزار سر به گریبان صبح فروردین
چو رقص شاخ گل سرخ روی گویا شد

بهار فصل شکوفایی درختان است
خرام سرو نشانی از این بلندا شد

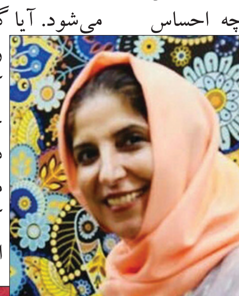


تولدِ «راز نخل‌ها» به زبان آلمان

مژده مواجی

به‌تازگی کتابم با عنوان «Das Geheimnis der Dattelpalmen» به‌زبان آلمانی در آلمان چاپ شده است. عنوان کتاب به‌فارسی «راز نخل‌ها» است. دو سال پیش ناشری آلمانی به‌نام بالتروم به چاپ کتاب تمایل نشان داد و برایم قرارداد فرستاد. چه احساس وصف‌ناپذیری بود هنگامی‌که آن را امضا می‌کردم. پس از کرونا خیلی کتاب‌ها در صف چاپ بودند و باید خیلی صبوری به خرج می‌دادم.

چاپ کتاب مانند یک زایش است؛ پس از مدت‌ها کار، زحمت و مراقبت متولد می‌شود و شادی با خود به همراه دارد.





کتاب ۱۴۴ صفحه است. فضای رمان عاشقانه- اجتماعی است و در بوشهر و شیراز، طی اتفاقات اوایل دهۀ شصت شمسی با تمام فراز و نشیب‌هایش، می‌گذرد.

گیسو عاشق «او»، نوجوان هم‌سن و سالش، می‌شود، اما به‌عنوان یک زن برایش شرم‌آور است که عشق خود را آشکارا نشان دهد. استتار بهترین پاسخ به تعصبات است.

تحولات اجتماعی ایران در اوایل دهۀ شصت شمسی که ناشی از انقلاب، اسلامی‌شدن جامعه و جنگ ایران و عراق بود، عشق و همزیستی را هم تحت‌الشعاع قرار داد.

عشق در این داستان نه‌تنها منعکس‌کنندۀ این تحولات اجتماعی‌ست، بلکه شرایط طبیعی بندر بوشهر در حاشیۀ خلیج فارس با نخلستان‌های متنوع که قرن‌هاست در کنار هم کشت شده و در آرامش همزیستی دارند، نیز به تصویر کشیده شده است.

عشق گیسو، آسیب‌های روحی ناشی از جنگ، و تغییرات اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ای بسته به‌همراه محدودیت‌های گسترده در مورد حقوق زنان، با اتفاقات عجیبی آمیخته می‌شوند.

نیروی عشق آن‌ها با موانع زیادی روبرو و محک زده می‌شود. آیا گیسو و «او» می‌توانند اولین قرار خود را در شیراز، شهر رایحه‌ها، محقق کنند؟ «راز نخل‌ها» چه ارتباطی با این جمله از فیلسوف آلمانی به‌نام آدورنو دارد: «بدون ترس متفاوت باش!»؟...

مقدمۀ کتاب را خانم دوریس شرودر کوپف نوشته است. او ژورنالیست است و پیش از این مسئول مهاجرت و مشارکت در استان نیدرزاکسن بوده و نیز همسر سابق صدراعظم پیشین آلمان، گرهارد شرودر.

بخشی از مقدمه کتاب از این قرار است: «... مژده مواجی رمانی را خلق کرده است که از نظر سیاسی بسیار به‌روز است و به اندیشیدن فرا می‌خواند. «راز نخل‌ها»؛ جزئیات دقیقی که مواجی با مکان‌ها و انسان‌ها توصیف می‌کند، شگفت‌انگیزند و بلافاصله شما را مجذوب می‌کنند. دشوار است این کتاب را زمین بگذاری...

این رمان بیانگر واقعیت کنونی زندگی زنان ایران است... رمان «راز نخل‌ها» در مجموع به ما نشان می‌دهد که آرزوی زندگی آزاد که در آن ما حق انتخاب داریم، یک حق اساسی بشر است.»

عکس‌های رو و پشت جلد کتاب از مصطفی غضنفری (موصو) است که همیشه باعث دلگرمی و انگیزه برای چاپ این کتاب بود. قدردانِ ناشر، دلگرمی خانواده‌ام و دوستان در این مسیر پرِچالش هستم. امیدوارم به‌زودی کتاب به فارسی نیز چاپ شود.

۳۰۰ دانش آموز بورسیه موسسه دارالاکرام استان بوشهر است

مدیر شعبه دارالاکرام استان بوشهر گفت: شمار دانش‌آموزان بورسیه شده در این شعبه اکنون ۳۰۰ نفر است که امید می‌رود این ظرفیت تا سه سال آینده ۲ برابر شود.

به گزارش خبرنگار ایرنا، غلامحسین کروبی در نشست شورای راهبردی دارالاکرام استان بوشهر اظهار کرد: راه‌اندازی باشگاه همیاران با هدف بهبود خدمت رسانی به جامعه هدف از اولویت‌های راهبردی این موسسه برای سال جاری است.

وی افزود: افزایش و جذب بیشتر مشارکت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه افراد نیک‌اندیش از طریق تشکیل باشگاه همیاران از سیاست های راهبردهای دارالاکرام است.

کروبی بیان کرد: مخاطب اصلی و جامعه هدف این موسسه دانش‌آموزان فاقد سرپرست موثر هستند که با حفظ کرامت انسانی، به منظور جلوگیری از ترک تحصیل بورسیه می‌شوند.

وی خدمات ارائه‌شده از سوی مؤسسه را در بخش‌های آموزش، روانشناسی، معیشت، سلامت، کارآفرینی و فرهنگ، هنر و ورزش معرفی کرد.

مدیر شعبه دارالاکرام استان بوشهر تصریح کرد: براساس برنامه موسسه تاکنون برای مهارت‌آموزی به ۵۰ نفر از دانش آموزان برنامه‌ریزی شده است.

عباس عاشوری‌نژاد رئیس شورای راهبردی دارالاکرام بوشهر در این نشست اظهار کرد: در روزگاری که افسردگی اجتماعی به سرعت رو به افزایش است، هر کس باید هر کاری که از دستش برمی‌آید برای توقف این روند فزاینده انجام دهد.

در این نشست سید نصرالله بصری ، محمدرضا بحرانی ، خدانظر خواجه ، حیدر سلیمانیپور ، سید محمد امین قاسمی زاده ، عبدالرسول رضازاده ، سوسن موسوی ، زهرا دشتی و فروزان کاشف از فعالان و اعضای شورای راهبردی موسسه دارالاکرام ایدهها و دیدگاههای خود برای پیشبرد بهتر برنامه‌های موسسه ارائه کردند.

چه مهربان و یک‌رنگند؛ این بوشهری‌های دوست‌داشتنی

رضا حاجی حسنی - اراک

سلام به بوشهر و هفته نامه وزین نسیم جنوب، من یک اراکی هستم. حدود چهل سال قبل، به مناسبت آشنایی با یک فرهنگی اصیل بوشهری در یک سمینار آموزشی در تبریز جرقه آشنا شدنم با بوشهر و بوشهری ها خورده شد. و این رفاقت باعث اولین سفرم به بوشهر گردید. او را برادر خطاب می‌کنم که البته مهربان‌تر از برادر است .اولین سفر را به بوشهر به اتفاق خانواده در سال شصت و چهار شروع کردیم. بوشهری که اون زمان فقیرانه در کنار خلیج نیلگون فارس به شکل نهنگی به گفته بوشهری‌ها لحام شده در گل، با آن همه عظمت و زیبایی و قدمت خود، لاک‌پشت‌وار خوابیده بود. شهری با اون کوچه‌های تنگ و باریک و تو در تو با نماهای سنگی و ساروجی و پنجره‌های مشبک با اون قوس نیم دایره‌ای بالای آن‌ها که نشانگر تمایل فرار انسان از فضای سه بعدی به دو بعدی و نزدیک شدن به بی بعدی و بی‌کرانگی هستی است. که مانند عشوه چشم عشاق بر پیکره این بناها خودنمائی می‌کند. و چه زیبا و شگفت‌انگیز است بکارگیری و تقارن رنگ‌های جادوئی لاجوردی، یاقوت کبود، سبز یشمی، آبی فیروزه‌ای و زرد و نارنجی و... که خود نشان از نور و رنگ درمانی از یکسو و سبک معماری زیبای بوشهر از یکسو دارد.

هنوز هم چهار محل قدیم شاکله خود را دل‌فریب حفظ کرده و پا برجایی آن‌ها نشان از سر سختی سنگ در مقابل امواج، و آزادی‌شان نشان از ستیز مردمانش با بیگانگان طماع. چه مهربان و یک‌رنگند و بدون تعارف و آن‌چه می گویند همانست که از دل‌شان بر می خیزد.



و اما، کم کم در طی سال‌ها با اطرافیان و دوستان بخصوص خانواده بزرگ دوستم که تشکلی بود از خواهران و برادران و خویشان آشنایی بیشتری حاصل و رفت و آمدهای خانوادگی ما را هم در دل خود جای داد تا بتوانیم خانواده دومی در شهری زیبا در جنوب داشته باشیم.

توسعه چشمگیر بوشهر در سال‌های متمادی آن‌چه در ذهن ما از این شهر جا داشت را به یک‌باره تغییر داد و جای آن‌ها را ساحلی طولانی همراه با مبلمان شهری فوق‌العاده ومراکز تفریحی بزرگ با ساختمان‌های جدیدی که صدالبته نماهایی از بوشهر قدیم را همراه دارند، تکمیل و تکمیل‌تر نمود. ساحلی که در هیچ جای ایران چه شمال و چه جنوب مانندش نمی‌توان یافت تا همه این‌ها در کنار مردم خونگرم و ساده اش بتوانند از هزاران هزار مسافر در ایام مختلف سال به ویژه ایام نوروز پذیرایی کنند.

بوشهری که نامش با لهجه دل‌نشینش همراه با خیام‌خوانی بی‌نظیرش و یزله و همراهی نمودن زن و مرد، کوچک و بزرگ آن‌چنان تاریخی در موسیقی نواهای ایرانی ایجاد نموده که من و هر یک از افراد خانواده‌ام و هموطنانم با شنیدن این نواهای زیبا دل‌های‌مان را به سویش پرواز می‌دهد. خوشحالم که امسال هم لایق مهمانی شان بودم.

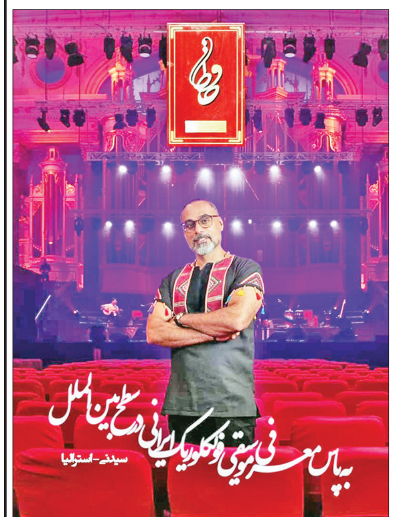

نوروز در بوشهر - عکس از حمید کاوه‌ئیان

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

لوح زرین موسیقی؛ برای محسن شریفیان، هنرمند بوشهری



لوح زرین موسیقی جشن حافظ، به هنرمند موسیقی بوشهر، اهدا گردید.

در بیست و دومین دوره مراسم تئاتر و موسیقی استاد علی معلم (جشن حافظ) به سبب معرفی موسیقی فولکلوریک ایرانی در سطح بین‌الملل، لوح زرین بخش موسیقی جشن حافظ به محسن شریفیان، هنرمند موسیقی بوشهر، اهدا شد.

محسن شریفیان پس از دریافت این لوح زرین، در یادداشتی نوشت: «به خاطر ایستادن در کنار تمام افرادی که برای بالندگی موسیقی ایران فعالیت می کنند، افتخار می کنم و ضمن تشکر از اهداکنندگان این لوح، آن را مدیون تمام کسانی هستم که در این راه همراهم بودند، به ویژه اعضای پیشین و جدید گروه لیان، تهیه کننده‌ها، فستیوال‌ها و رسانه‌های محترم و... در این مراسم با شکوه، حمایت رسمی اهالی موسیقی از فستیوال کوچه بویژه لطف و توجه آقایان محسن چاوشی و بهمن بابازاده بسیار ارزشمند بود. من نیز این لوح زرین را صمیمانه به تمام اعضای فستیوال کوچه تقدیم کردم».

امید معلم فرزند مرحوم علی معلم (بنیانگذار مراسم تندیس حافظ) هم در این برنامه گفت: یکبار دیگر نشان دادیم که فرهنگ این سرزمین حذف نشدنی است. خوشحالم کسانی هستند که به فرهنگ و هنر این سرزمین اهمیت می‌دهند.

فیدوس؛ اولین کتابخانه دریایی

جواد غلام نژاد جبری از سال ۱۳۹۹ ماهیگیری را رها کرده است و برای حفاظت از دریا زباله‌ها را کنار ساحل و دریا جمع‌آوری می کند و در سال ۱۴۰۳ اولین کتابخانه دریایی راه‌اندازی کرده است. به جای این‌که برای تفریح مسافران را برای ماهیگیری ببرد دریا، برای کتاب خواندن در دریا توقف می کند.

عکاس: فرزانه لطیفیان



«فستیوال کوچه بوشهر» به «دُبی» پناه بُرد...

بهمن بابازاده - خبرنگار حوزه موسیقی

فستیوال کوچه بوشهر ۲۲ و ۲۳ فروردین در «دُبی» برگزار شد. حالا وقتش رسیده آن‌هایی که بخاطر چرخاندن پرچم عربستان بعد از باخت به بحرین رگ غیرت شان باد کرد، یا دلواپسانِ «خلیج همیشه فارس» از خجالت کبود شوند. یکَ فستیوال مردم نَهاد که بر اساس شور و حال و انرژی خوب پایه‌گذاری شده، همه پتانسیل‌های جذب گردشگر را داراست و چندین برابر همه فستیوال‌های موسیقی کل سال، مخاطب دارد، چون نمی‌تواند در خاستگاه بومی خود برگزار شود، آن‌سوی «خلیج همیشه فارس» نوای «نی انبان» سر داد. حالا کسانی که کوچه را در بوشهر زمین زدند، با نیشخندی، بادی در غبغب می‌اندازند و از تبر زدن به ریشه‌های فرهنگی بندر، خوشحالند.

«کوچه» در دبی تکثیر خواهد شد. بوشهر در دبی تکثیر خواهد شد. فرهنگ و هنر اصیل جنوب «ایران» در دبی تکثیر خواهد شد.

ما می‌مانیم و جهل و ارتجاع، واپسگرایی و ایستادگی در برابر تحول و پیشرفت...

شما در سواحل خلیج همیشه فارس دعوتید به قشنگترین «کوچه» ایرانی. یا به قول احسان عبدی‌پور در تیزر تاریخی: «جمعه‌ای با مارکِ بوشهرِ قشنگ...»

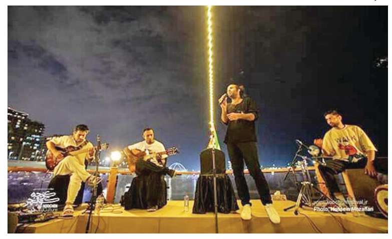


طنین فستیوال کوچه بوشهر در دُبی

در سومین دوره کوچه کالچر، موسیقی و آوازهای دریایی بندر بوشهر در دبی طنین انداز شد.

مخاطبان در این برنامه بر روی جهاز، مهمان سفره‌ای رنگین از فرهنگ، هنر، صنایع‌دستی و خوراک‌های بوشهری شدند.

در دو شب از این فستیوال، که احسان عبدی‌پور کارگردان و فیلم‌نانویس مجری آن بود، با آوازهای دریانوردی «حاج رسول» نویسنده و نقاش اهل بوشهر آغاز شد. این نویسنده، نقاش و دریانورد پیشکسوت بوشهری به اجرای «نقاشی» و «نِی‌مه خوانی» پرداخت.



نی‌مه گونه‌ای آوای کار دریانوردی است که در جنوب ایران و دیگر کشورهای جنوب خلیج‌فارس رواج دارد.

اجرای «حیدو هدایتی» موزیسین و خواننده بوشهری که در سال‌های اخیر محبوبیت ویژه‌ای در میان ایرانیان در داخل و خارج کشور یافته، بخش دیگر این رویداد بود. حیدو با اجرای قطعات محبوبی چون «تریشکو»، «منگه» و «قشنگ»،





روایتی جدید از موسیقی بوشهر را به مخاطبان ارائه داد. حاضران در فستیوال، آهنگ‌های حیدو را همراه او هم‌خوانی کردند.

اجرای موسیقی محفلی بوشهر توسط «عبداله



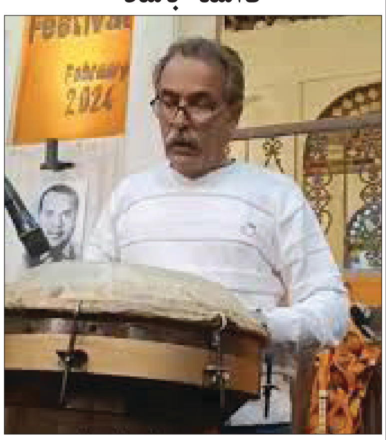
مقاتلی» و قطعات خاطره‌انگیز موسیقی عربی توسط گروه «نخل آبادان» از دیگر برنامه‌های اجرا شده در کوچه کالچر دبی بود.

در این دو شب علاوه بر برنامه‌های موسیقی و فرهنگی، صنایع‌دستی، خوراک‌ها و دسرهای بوشهری نیز طبخ و سرو شد.



ابراهیم تمهید هنرمند بوشهری و سازنده ساز «غناهشت»:

صدای «غناهشت» می‌تواند در موسیقی، کاربرد مؤثری داشته باشد



– لطفا درباره سابقه خودتان در زمینه ساخت ساز ، برای خوانندگان نسیم جنوب، سخن بگویید.

– قدیم‌ها خونه ما در بوشهر، محل ساخت دمام‌های مسجد محل توسط پدرم ودوستانش بود، پنج ساله بودم با گریه و پافشاری‌های بچه گانه ام پدر دمام کوچکی برایم ساخت. ده دوازده سالم بود با بچه‌های هم سن و سالم گوشه ای ازحیاط خونمون یه مسجد یا بهتر بگویم یه محله بچه‌گونه درست کرده بودم با ریاست خودم، اونوقت‌ها با حلب کوچک روغن نباتی و نایلون دمام می‌ساختم و با شاخ بز بوق و با درب قوطی سنج درست می کردم، حدود بیست و پنج سال پیش اولین بوق فایبر گلاسی ساختم و کارگاه ساخت حرفه ای بوق و دمام را برای اولین بار در بوشهر و بعبارتی درکشورتاسیس کردم. حدود بیست سال پیش به پیشنهاد حبیب مفتاح بوشهری، ساز دم دم را با نام بم باس طراحی کردم، که در حال حاضر اکثر گروه‌های موسیقی در سراسر کشور از این ساز استفاده می کنند، همچنین ساز بکرک را هم ساختم که مورد استفاده هنرمندان موسیقی هست.

– چه شد که به فکر ساخت غناهشت افتادید؟

– غناهشت به معنای صدای مهیب و ترسناک است، ساز غناهشت نسبت به دم دم ارتعاش و وسعت بیشتری دارد، من موزیسین و موسیقیدان نیستم اما تا حدی با موسیقی آشنایی دارم، باتوجه به علاقه و سلیقه شخصی احساسم این بود که صدای غناهشت می‌تواند در موسیقی بوشهر وحتی موسیقی کلاسیک و سنتی ایران کاربرد مؤثری داشته باشد. تا چه پیش آید وچه درنظرافتد.

– این ساز جدید چه ویژگی‌هایی دارد؟

– از ویژگی‌های این ساز (غناهشت) تولید صدای رعد است که با تکان دادن آن به سمت جلو و عقب ایجاد می‌شود و طراحی آن به شیوه ای است که به جز سطح فوقانی به قسمتی از دیواره‌های کناری آن هم پوست کشیده شده و با وارد کردن ضربه دست اصوات متفاوتی تولید می‌شود، بااین تفاوت (نسبت به دم دم) از پوست شتر استفاده شده است.

– این ساز چه استفاده‌هایی دارد؟

– غناهشت یک ساز کوبه‌ای است و استفاده ازآن بستگی به سلیقه و هنر نوازنده دارد.

– سخن پایانی؟

– امیدوارم حداقل توانسته باشم در راستای اعتلای موسیقی نواحی کشورم سهمی اندک داشته باشم. در پایان از همراهی هفته نامه نسیم جنوب، قدردانی وتشکر می کنم.